

چه آرزوهایی که نمرد

درباره مسئله یا شبهه مسئله بودن رجیستری آیفون



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

در چند روز گذشته خبر حل شدن مشکل رجیستری آیفون موجب کلی بحث شده؛ به خصوص که موضوع تعرفه ۹۶ درصدی هم فضا را مشوش کرد و باعث شد جوک «دو تا یخ، یکی بپر» در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شود. در این میان البته صدای خانم سخنگوی دولت درباره تصحیح نرخ تعرفه واردات هم کمتر شنیده شد، با همه اینها بحث این یادداشت نه صرف خوشحالی برای رفع این ممنوعیت است، نه آیه یاس خوانی شایع در فضای مجازی که با تاکتیک «دیدنی گفتم»، می‌کوشد هر خبر خوشی را بلافاصله تلخ کند و اصلاً تا آن را به زهر مار تبدیل نکند، دست بردار نیست.

بحث این نوشته خیلی ساده، یک پرسش دوکلمه‌ای است به این قرار: تا کی؟ منظور اینکه تا چه زمانی قرار است گرفتار این مسائل ساده و پیش پا افتاده باشیم؟ نمی‌خواهم تلاش‌های همه کسانی را که در این مسیر کوشیدند، نادیده بگیرم. همانطور که در توثیق وزیر ارتباطات هم آمده، «تدبیر دولت وفاقی، حمایت رئیس جمهور محترم و پیگیری فعالانه وزارت ارتباطات» در این زمینه موثر بوده و خدا را شکر که تلاش‌هایشان هم به بار نشسته، اما راستی راستی وقتی می‌بینم مشکلات اصلی ما در این دیار دیرینه‌سال به چنین موضوعاتی تقلیل پیدا کرده که آیفون رجیستری بشود یا نه؟ کمی خنده‌ام می‌گیرد و بعد بیشتر از آن ناراحت می‌شوم که آخر این چه مسائلی است که ما دچار آن شده‌ایم؟ و بدتر از آن، راهی هم برای حل این «مطالبات مردم» پیدا نشده است مگر به قول وزیر ارتباطات، پس از کلی «کار کارشناسی» و «ایجاد وفای» آن هم «بدون هیاهو و غوغاسالاری»؟

دوست ندارم این جمله‌ام کسی را به ذهن شما بیاورد، اما می‌پرسم آیا واقعاً مشکل امروز ما باید مدل موبایل مردمان ما باشد؟ همان بنده خدایی که نمی‌خواهم اسمش را بیاورم می‌گفت «من و تو باید به مشکل اساسی مملکت برسیم» و از اینکه «دغدغه دولت» بشود چیزهایی پیش پا افتاده مثل «مدل موی جوانان» یا «نوع لباس پوشیدن دختران ما» بپرهیزیم. بماند که سخن او با عملش یکی نبود و از همان زمان بیره‌های باز شد که طی آن به قول مصطفی پورمحمدی: «در بحث حجاب می‌کشیدیم و کشیدیم تا پاره شد!»، چنانکه امروز «بسیاری حسرت حجاب قبل از تحولات ۱۴۰۱ را می‌کشند.» امروز هم می‌شود به این پرسش خطر کرد که به راستی شأن ملتی که نخستین دولت جهانی را تأسیس کرد و ۱۲۰ سال پیش جنبش مشروطه را راه انداخت، این است که خوشحال شود از اینکه می‌تواند آیفون به دست بگیرد؟ و تازه این امکان را نیز از طریق تعویض رئیس جمهور، وزیر و... به دست بیاورد؟ باز به قول آن بنده خدا: «چرا واقعاً مردم را کوچک می‌کنیم؟»

باور بفرمایید یا نه، در بخش توسعه‌گرای جهان امروز، به عمده این مسائلی که ما بدان‌ها مبتلاییم، می‌گویند «شبه‌مسئله». یعنی مسائلی که با معضل و دغدغه مهمی برای مردمان نیستند یا نباید باشند. خوب از شناسن و اقبال ما، این شبه‌مسائل شده‌اند مسائلی اصلی مملکت. از این منظر گاهی دلم برای کسانی چون وزیر ارتباطات و کارشناسان این مملکت هم می‌سوزد که باید مدام از این جلسه به آن جلسه بروند و سیاست‌های عاقلانه‌مند تحریم، فیلتر، ممنوعیت، مرزهای بسته، تولید داخلی و... را توجیه کنند که والله در جهان امروز، وزارتخانه‌ای چون وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، باید دلمشغول طرح‌هایی بسیار کلان‌تر باشند، نه اینکه دغدغه شبانه‌روزی‌اش بشود حل رجیستری و رفع فیلتر.

اما خوب چه می‌شود گفت؟ ما انگار علاقه خاصی به شبه‌مسائل داریم و در زمینه بسیاری از مقولات زندگی معقول در این جهان هستی، دچار سوءتفاهمیم. شاید اصلاً به همین خاطر این جمله شریعتی همچنان برای ما معنادار جلوه می‌کند: «خدایا! چگونه زیستن» را توبه من بیاموز، من «چگونه مردن» را خود خواهم آموخت.» به راستی وقتی این حجم از زمان و زندگی ما ایرانیان سال‌هاست صرف شبه‌مسئله‌ای هیچ بوجوب و حل شده در اکثر جهان به نام «اینترنت آزاد» شده و الان بقیه دنیا به جز چهار کشور سودان، کنگو، کوبا و ترکمنستان، وضعی بهتر از ما دارند، شاید بهتر باشد بازگردیم به عقب و شریعتی‌وار، چنین «نیایشی» کنیم: «خدایا! به من زیستن عطا کن که در لحظه مرگ، بر بی‌شماری لحظه‌ای که برای زیستن گذشته است، حسرت نخورم.»

دیوید تیلور رقیب همیشگی حسن یزدانی آزدنیای کشتی خدایان فانی کرد



زننگ خطر برای کشتی ایران

بررسی نتایج ضعیف تیم ملی کشتی ایران در اوزان غیرالمپیک با چاشنی خداحافظی افسانه آمریکایی



سپهر خریمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

رقابت‌های کشتی آزاد قهرمانی جهان در اوزان غیرالمپیک با کسب یک مدال برنز محمدنخودی برای ایران به پایان رسید. سقوطی که قابل کتمان نیست. گفتنی است باتوجه به این که مدال‌های کشتی‌گیران روسیه در جدول رده‌بندی لحاظ نشد ایران با همین یک مدال برنز در جایگاه سوم ایستاد. باتوجه به این که زمزمه‌های حذف رشته‌ی کشتی از مسابقات المپیک به گوش می‌رسد فدراسیون جهانی کشتی در تلاش است تا با برگزاری مسابقات کشتی در اوزان مختلف، این رشته را همچنان انگیز نشان دهد. در گذشته، ایران در ۱۰ وزن و بعدها در هشت وزن آقایان برای مسابقات المپیک نماینده داشت و حالا این عدد به شش نماینده رسیده است. البته در دوره‌ی اخیر ایران در چهار وزن کشتی آزاد و چهار وزن کشتی فرنگی نماینده داشت که نشان می‌دهد همچنان کمیته‌ی جهانی المپیک در صدد حذف این رشته یا محدود کردن آن در مسابقات المپیک است. با این حال تیم ملی ایران در اوزان غیرالمپیک مسابقات جهانی دور از انتظار ظاهر شد و فقط یک کشتی‌گیر ایران به مدال برنز دست یافت. در این گزارش قصد داریم علاوه بر ناکامی کشتی ایران، به خداحافظی دیوید تیلور افسانه‌ای بپردازیم و البته گریزی بزنیم به بازگشت روس‌هایی که فعلاً حق ندارند برچسبشان را به‌هتزاز در بیاورند.

تک برنز برای کشتی آزاد

تصور این بود که بازگشت رفیق دیرینه‌ی علیرضا دبیر یعنی پژمان درستکار به تیم ملی کشتی آزاد نتایج را دگرگون کند. اما این اتفاق حداقل در گام نخست رخ نداد. این رقابت‌باتوجه به این که در سال المپیک برگزار شد، در چهار وزن غیرالمپیک ۶۱، ۷۹، ۹۰ و ۹۲ کیلوگرم به میزبانی تیرانا، پایتخت آلبانی برگزار شد و ایران با ترکیب رضا مومنی در وزن ۶۱، سینا خلیلی در وزن ۷۰، محمدنخودی در وزن ۷۹ و کامران قاسمیپور در وزن ۹۲ کیلوگرم با سرمیری پژمان درستکار عازم این رقابت‌ها شد اما در پایان تنها محمدنخودی موفق به کسب مدال برنز شد و سه آزادکار دیگر ایران از رسیدن به مدال بازماندند. عبدالرشید سعداللهیف، ملقب به تانک روس که از المپیک پاریس محروم بود و پیش از این مسابقات دو طلای المپیک و پنج طلای جهان را در کارنامه‌ی خود داشت، در مسابقات جهانی آلبانی در وزن غیرالمپیک ۹۲ کیلوگرم به میدان رفت و با کسب مدال طلای جهان، صاحب هشتمین طلای جهان و المپیک خود شد. او موفق شد دیوید تیلور را هفت بار صفر و کامران قاسمیپور را پنج بار سه شکست دهد.

بازگشت بر قدرت روس‌ها

عبدالرشید سعداللهیف که روز گذشته دیوید تیلور آمریکایی و کامران قاسمیپور را شکست داده بود، پنج‌شنبه‌شب برای ششمین بار قهرمان جهان شد، در حالی که دونشان طلای المپیک هم در کارنامه دارد. فوق‌ستاره‌ی ۲۸ ساله‌ی کشتی روسیه در تمام رقابت‌هایی که روی تشک رفته در سه وزن ۸۶، ۹۲ و ۹۷ کیلوگرم به مدال طلا رسیده و تنها در مسابقات جهانی ۲۰۱۷ در کسب مدال طلا ناکام ماند و با شکست برابر اسپانیدر به مدال نقره رسید. گفتنی است که تانک روسی در کمتر از سه ماه تا شروع این مسابقات ۹۸ کیلوگرم وزن داشت و کمتر کسی تصور می‌کرد که او بتواند خودش را به وزن ۹۲ کیلوگرم برساند اما او برای کسب مدال طلا هر کار نشدنی را انجام می‌دهد. سعداللهیف از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷، چهار سال حتی در یک مبارزه‌ی کشتی هم شکست نخورد و حالا بار دیگر با قدرت به مسابقات برگشته است. او دو طلای المپیک، شش طلای جهانی، دو طلای بازی‌های اروپایی، چهار طلای قهرمانی اروپا دارد و اگر دو سال محرومیت

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۰۸۸۷۴۹۳۰ • تحریریه: ۰۸۸۷۳۵۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۰۲۹۱ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

چهره

آقای صدای تهرون

او عاشق تهران یا به قول خودش تهرون بود. بچه‌تهرون و عاشق شهرش بود و در جوانی قسم خورده بود که با گوش تهران قدیم مشکلات جامعه را با زگو کند. مرتضی احمدی پس از چند تلاش آماتوری در تئاتر، به تئاتر فرهنگ رفت و برای اولین بار پیش‌پرده خوانی کرد و بعد از آن بود که بازیگر تئاتر شد. بعدها به رادیو رفت و به سبک‌های مختلف ترانه و آواز می‌خواند. در سال ۱۳۵۳ در اولین سریالش به نام «هردمبیل» ایفای نقش کرد و دوبله‌ی برخی شخصیت‌ها از جمله روباه مسکار در کارتون «بینوکو» را انجام داد. او که زاده تهرانی بود، سال‌های زیادی از عمرش را صرف گردآوری و نگارش فرهنگ عامیانه‌ی تهران کرد و در این زمینه کتاب‌های: «کهنه‌های همیشه نو»، «فرهنگ بر و بچه‌های ترون» و «پرسه در احوالات ترون و تروین» را تألیف کرده است. علاوه بر تألیفاتش در حوزه فرهنگ‌نویسی، او برخی از قدیمی‌ترین ترانه‌های کوچه‌بازاری تهران را به صورت (ضربی خوانی) بازخوانی کرده است. او که لقب صدای تهرون را داشت، یک دهه پیش درگذشت و حالا همزمان با تولد ۱۰۰ سالگی مرتضی احمدی، یکی از سالن‌های پردیس سینمایی باغ کتاب به نام او نامگذاری شده است.



کتابخانه

قصه‌هایی از سینمای ایتالیا

یکی از نامداران سینمای ایتالیاست که برای شیوه ویژه‌اش در آمیزش آثارهای رویاگون و فراهنگام بارز شده است. فلینی با سبک فانتزی منحصر به فرد و استفاده‌اش از عمق رنگ‌ها در فیلمسازی، بدون شک یکی از بهترین و مهم‌ترین کارگردانان تاریخ سینماست. «فدریکو فلینی» به عنوان منبع الهام فیلمسازان معاصر بزرگی مثل «دیوید لینچ» و «تیم برتون»، گواه این ادعا بود که می‌توان فیلمسازی را یک هنر دانست و اساساً باید آن را یک هنر تلقی کرد. هوشنگ گلمکانی، روزنامه‌نگار و منتقد قدیمی و شناخته‌شده سینما، کتاب



فدریکو فلینی
سه فیلمنامه
مترجم:
هوشنگ گلمکانی
انتشارات: یاد آر میتا

«فدریکو فلینی: سه فیلمنامه» را ترجمه کرده که شامل متن کامل سه فیلمنامه فدریکو فلینی سینماگر نامدار ایتالیایی در دوران اولیه فیلمسازی‌اش، یعنی «روشنایی‌های وارثه»، «شیخ سفید» و «جاده» است. این پنجمین کتاب بخش سینما و تئاتر انتشارات «یاد آر میتا» است که به‌ویژه برای فیلمنامه‌نویسان، دانشجویان سینما و علاقه‌مندان به سینمای ایتالیا و فلینی خواندنی است.

تاریخ

آغاز محاصره گنجه



۱۲ آبان‌ماه ۱۱۱۳ خورشیدی (۳ نوامبر ۱۷۳۴)، در ادامه جنگ‌های پنج ساله‌ای (۱۷۳۰-۱۷۳۴) که پس از قدرت‌گیری نادرشاه افشار و زلزله حکومت هوتکیان (افغان‌های غلزایی) میان ایران و عثمانی رخ داد،

محاصره شهر گنجه آغاز شد. نادر با شکست اشرف افغان به عثمانی‌ها پیغام داده بود که باید مناطق غرب ایران را که هوتکیان در ازای حمایت عثمانی‌ها بدان‌ها اعطا کرده بودند، تخلیه کنند. این پیغام اما از جانب حکومت عثمانی ناپسند گردید و بدین ترتیب برای نادر چاره‌ای جز عملیات نظامی باقی نماند. بدین ترتیب بعد از سلسله‌ای از نبردهای طولانی، در نهایت نادر پس از تصرف داغستان، راهی شهر گنجه شد. در این محاصره عثمانی‌ها مقاومت جانانه‌ای کردند و نادر ناچار شد روش‌های مختلف جنگی نظیر توپخانه و حفاری زیرزمینی را برای ورود به ارگ شهر امتحان کند. در این جنگ، روس‌ها هم با نادر همراهی کردند. او خود نیز دلاورانه در نبرد حضور داشت و حتی چنان به میدان جنگ نزدیک بود که زمانی مغز و خون یکی از محافظانش که مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود، به صورتش پاشید. در نهایت با شکست عثمانی‌ها، گنجه به ایران بازگشت و نقیض نیز تسلیم شد.

افت کشتی آزاد یا دورخیز برای قهرمانی؟

هر چند کشتی آزاد موفق نشد در مسابقات المپیک به مدال طلا دست پیدا کند و این حسرت ۲۰ ساله را بازمه افزایش داد، اما بازهم در قیاس با سایر رشته‌ها عملکرد به نسبت قابل قبولی داشت. البته که شاهکار کاروان ایران در المپیک مربوط به تکواندو و شمشیر هادی ساعی است که به درایتی که به خرج داد و مربیان با دانشی را در پس کار قرار داد، باعث شد بار دیگر تکواندو به اوج افتخار دنیا برگردد. با این حال، کشتی ایران در حال پوست‌اندازی است. حسن یزدانی از یک‌سوسو با جراحی که کرده به احتمال فراوان تا مدت‌ها نمی‌تواند به صورت سنگین تمرین یا در مسابقات مهم حضور داشته باشد. از طرف دیگر سایر کشتی‌گیران عملکرد خارق‌العاده‌ای نداشتند که مدال طلای شان تضمینی باشد. بانوجبه اینکه این اوزان، غیرالمپیک بودند شاید بتوان با اغماض پذیرفت که کشتی از ریل خود خارج نشده اما با ادامه‌ی موفقیت کشتی‌گیران ژاپنی، بازگشت روس‌ها به میادین و اوج گرفتن آمریکایی‌ها البته در کشتی، می‌توان با نقدی محترمانه گفت، زننگ خطر برای کشتی ایران به صدا درآمده است.